

خالی از شوخی

- گویا در حین آتش سوزی و تلاش دختران عرب برای خروج از مدرسه «پلیس مذهب» فریاد می زده یا حجاب را رعایت کنید و یادر آتش جهنم می سوزید و دختران از آن سوی در فریاد می زدند به هر حال ما که داریم در آتش می سوزیم بهشت و جهنم را چکار داریم؟
- خبرنگار وال استریت گفته بود که بین کار شرق و غرب چقدر برعکس است اگر این آتش سوزی در آمریکا اتفاق افتاده بود ماموران آتش نشانی احتمالا اول دخترانی با کمترین حجاب و بیشترین میزان لخت بودن را از آتش بیرون می کشیدند!

تورم قیمت آزادی

در اخبار آمده بود که قیمت سکه بهار آزادی ۳۵۰۰ تومان افزایش یافته است. طبیعتا فروشندگان کلاهشان را بالا انداختند و گفتند یوهو! یوهو! از طرف دیگر خریداران لب و لوجه شان را جمع کردند و دسته جمعی زنک زدند به رئیس بانک مرکزی و خزانه داری و گفتند: آقای این چه وضعه؟ چطور شد یکهو قیمت را بالا بردید آن هم بدون اخطار قبلی؟ ما که بدبخت شدیم. رئیس مربوطه هم بادی در سینه انداخت و گفت نکنند شما فکر می کنید اقتصاد مال خراست؟ در بازار یک نیروی محرکه است به اسم عرضه و تقاضا و اتفاقات جانبی همیشه روی قیمت ها اثر می گذارد. بعد از این که وثیقه آزادی از زندان آقای عزت الله سبحانی رسید به ۸۰۰ میلیون تومان فکر می کنید بهار آزادی هم برگ چغندر است و قیمتش نباید بالا برود؟ ملت که خیط شده بودند گوشی تلفن را شترق زدند زمین و قطع کردند!

می کردند. ولی مثل این که یادمان رفته بود به یک نفر بخصوص بدهیم و فکر می کنم اورفت و مارالو داد!
رئیس دادگاه- برای امروز کافی است. دادگاه تا فردا ساعت ۹ صبح تعطیل است. شهرام جزایری- خیلی ممنون حاج آقا. دهنم داشت کف می کرد. شانس آوردم جزییات و اسم ها را حذف کردم. ولی شما مطمئنید من به شما ندادم؟ من یک چک سفید امضا یاد می آید نمی دانم شما بودید یا... صورتتان خیلی به نظرم آشنا می آید!
- صدای چکش مکرر رئیس دادگاه بر روی میز...)

در عربستان اتفاق افتاد

حتما خواننده آید که «پلیس مذهبی» عربستان سعودی پس از آتش سوزی در مدرسه دخترانه، فقط به علت این که آن ها حجاب کامل نداشته اند! مانع خروج دختران از چنگ آتش شده است. در نتیجه ۱۴ دختر جوان و بی گناه در پشت درهای بسته شده توسط مذهب (که باید «راه نجات بشر» را تبلیغ و ترویج کند!) گیر افتاده و در آتش زنده زنده سوختند. این خبر دنیا را تکان داد و اشک همه را سرازیر کرد. کسی نیست که از این «پلیس احمق مذهبی» عربستان پرسد (من هستم که پرسم) که آقا جان، کلاه یا عمامه ات را قاضی کن آیا یک دختر بی حجاب زنده برای دنیای اسلام بیشتر ارزش دارد یا یک دختر با حجاب مرده؟ مطمئن هستم که برایشان فرقی نمی کند.

در حاشیه خبر فوق، خبرنگاران چند خبر جانبی را برای روزنامه های خود فرستادند که البته سردبیر چاپ نکرده است:

اول باید به دربان یک حال می دادیم تا بگذارد بر سیم به شخص مورد نظر و بی سر و صدا بهش بدهیم.
رئیس دادگاه- از این داده هایتان لیست دارید؟ مدرک دارید؟

شهرام جزایری- نه همه را به خیلی ها فقط یک دست می دادیم و مرد و مردانه معامله انجام می شد. نه اون ها رسید می دادند و نه من رسید می خواستم. مساله فقط دادن بود و این که کار راه بیفته!

رئیس دادگاه- شما چطور در این سن و سال کم در ۲۹ سالگی اینقدر مال و منال بهم زده اید؟ در صورتی که ۵۰ درصد از جوانان ما بیکار و علاف هستند؟
شهرام جزایری- تقصیر خودشان است. اگر می دادند وضعیتشان خوب می شد! اقتصاد یعنی داد و ستد و بده و بستان.

رئیس دادگاه- فکر نکردید که این یک روزی تمام می شود و دیگر ندارید بدهید؟ بگذریم که دادن کار خوبی نیست و غیر قانونی است؟

شهرام جزایری- نه آقای رفسنجان...
رئیس دادگاه- گفتیم که اسم نیار!
شهرام جزایری- ببخشید، به هر حال یکی از آقایون به من گفت خیالت تخت باشه تا صد سال دیگه ذخیره نفت داریم حالا تا می تونی برو بده

تازه می گفت نفت هم اگر تموم بشه ذخیره پسته میاد جاش! این بود که من از تمام شدن ترسی نداشتم. کاسه خیلی گنده بود و به همه کاسه لیس ها یک چیزی می رسید.
رئیس دادگاه- چطور شد که دست شمارو شد؟

شهرام جزایری- من خودم هم نمی دانم چطور شد. سرمان گرم دادن بود، یعنی همه به همه می دادیم و می گرفتیم، شده بودیم یک فامیل گنده، همه داشتند حال

نمی توانم هیچ چیز خاصی را بگویم. این چه دادگاهی است؟ همه چیز را خیلی کلی می خواهید. می خواهید من اصلا وارد جزییات نشوم، این که می شه مثل اصلاحات آقای خاتمی! (صدای خنده حضار).

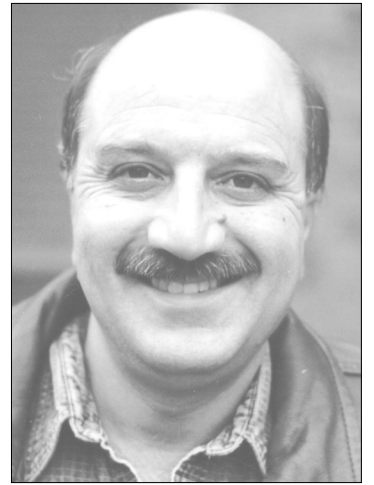
رئیس دادگاه- (چکش را روی میز می کوبد). همان که گفتیم. باید در آن خط بمانید، شروع کنید...

شهرام جزایری- باشه حاج آقا... چطور بگم... خیلی مشکل است بدون جزییات صحبت کنم ولی خوب به طور خلاصه بگم، به همه دادم، به این دادم، به آن دادم به آن ها دادم، به خودی دادم به غریب دادم. ممکنه به شما هم داده باشم ولی یادم نمی آید.

رئیس دادگاه- نه به من نداده اید. مواظب وارد کردن اتهام هایتان هم باشید!
شهرام جزایری- گفتیم که یادم نمی آید، چون زیاد می دادم! حسابش از دستم در رفته!

رئیس دادگاه- چقدر می دادید؟
شهرام جزایری- والا صفر هایش را یادم نمی آید. بستگی به پروژه کار و نتیجه مالی اش داشت. اگر طرف خیلی روحانی بود صفر ها هم می رفت بالا. به هر حال همه چیز توی یک کاسه بود. می آمد و می رفت. شما حال می دادید، من هم حال می دادم! بعضی وقت ها من اول حال می دادم و طرف توی رودر بایستی مجبور می شد حال بدهد!

رئیس دادگاه- چطور می دادید؟
شهرام جزایری- والا نمی خوام زیاد گرافیک اش کنم. همه جور شو داشتیم توی بعضی از سازمان ها یک موقع مجبور می شدیم یواشکی از عقب برویم و بدهیم. اگر دربان آشنا بود از جلو می رفتیم. البته



مسعود ناصری

بخشی از محاکمه شهرام جزایری در دادگاه غیر علنی...

رئیس دادگاه- شما آدم خیلی صریح و شلوغی هستید. دادگاه مرا به هم ریخته اید. بدون این که حاشیه بروید و پرحرفی نکنید با توجه به این دستورالعمل هایی که می گویم جواب دادگاه را بدهید. در مورد رشوه هایی که داده اید از بالا دستور آمده که در این دادگاه اسم هیچ روحانی را نیاورید. از اصطلاح آقا زاده هم پر هیز کنید. شعار ندهید، کسی را زیر سؤال نبرید و با و کیلتان پیچ و پیچ نکنید! در این چهار چوب که گفتیم می توانید همه حرفتان را بزنید. روشن است آقای جزایری؟ یادم رفت بگویم اسم پول و مبلغ را مطلقا نیاوردید!

شهرام جزایری- آقای رئیس، شما دست مرا بسته اید، با این دستورات جناب عالی من

رستوران نایب
NAYEB

خاطره ها زیبا هستند،

هدف ما حفظ خاطرات زیبای شماست

چلو کبابی نایب نامی است آشنا و هدفش

تهیه غذاهای لذیذ و خوشمزه

و پذیرائی از مشتریان عزیز

در محیطی گرم و صمیمی می باشد

دارای سرویس دلیوری

(تا شعاع ۳ مایل از رستوران و برای سفارش های بالاتر از ۱۰ دلار)

همچنین سرویس کامل کیتینگ با مناسب ترین قیمت ها

غذای مخصوص روز:

هر روز هفته یک نوع پلو و خورش خوشمزه ایرانی

(علاوه بر غذاهای موجود در لیست رستوران)

ساعات پذیرائی:

یکشنبه تا پنجشنبه از ۱۱ صبح تا ۱۰ شب

جمعه و شنبه تا ۱۱ شب

2190-B Pimmit Drive, Falls Church, VA 22043

Tel: 703-893-6677 - 703-893-6678

نزدیک تیسونز کورنر

جنب فروشگاه «مامالواش»